

آتش قاچاق در خرمن سوخت



با لنج‌ها برسانند. میناب و روستاهای اطراف آن حالا جایی شده که زنجیره‌ای کامل از سوخت‌بر، خریدار سوخت، قایق و سواری شوتی، وانت‌های نیسان، مشک‌ساز، تعمیرکار ویژه سواری شوتی، طراح و سازنده مخزن نگهداری سوخت و شبکه انتقال سوخت از داخل گاراژها، چهاردیواری‌ها و خانه‌های مسکونی به ساحل و لنج‌های حمل سوخت و... در اتصال و ارتباط سیستمی با یکدیگر شکل گرفته است و هر کدام بخشی از سود ۱۰ تا ۱۵ برابری قاچاق سوخت از ایران به آن سوی آب‌ها را جذب می‌کند. اما سؤال این است، این حجم سوختی که روزانه هزاران وانت، کامیون، سواری و قایق با حجم میلیون‌ها لیتر را درگیر انتقال و جابه‌جایی خود می‌کند و از لوله به خودرو، از خودرو به مخزن و از مخزن به لنج مدام در حال جابه‌جایی است از کجا می‌آید؟

ماشین‌های سوخته و رها شده در کنار جاده، تصویری پرتکرار در میناب است. پشت هر کدام از ماشین‌های سوخته داستانی از امیدها، آرزوها، حرص و آزها و تلاش‌های آمیخته با دلهره و شتاب و ترس است که در آخر همه با میلیون‌ها لیتر گازوئیل و بنزین که کارگردان اصلی این ماجراهای تلخ است سوخته و از بین رفته، اما ماجرای سوخت‌بری و قاچاق و تعقیب و گریز خودروهای شوتی و ماشین‌های نیروی انتظامی با این خودروهای سوخته و زندگی‌هایی که در همین جاده‌ها برای همیشه متوقف و در درون مشت‌های آهن محبوس شدند، متوقف نمی‌شود. در آغاز با مدام وانت‌های آبی رنگ نیسان و سواری‌های پژو و سمند با مشک‌های پرمی‌تازند و به سمت بارگاه‌های قاچاق سوخت در اسکله‌های موقت یا چهاردیواری‌های نزدیک ساحل می‌روند تا از طریق لوله‌های مخفی و مشک‌های ماری و قایق‌های شوتی، سوخت را به مخزن‌های مخفی

